

# رویکردی تطبیقی بر وظایف و اختیارات و مسئولیت مدنی بازرس شرکتهای

## سهامی

ابالفضل سلیمیان<sup>\*۱</sup>

غلامرضا ایزدپناه<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۱

### چکیده

سلامت هر مجموعه‌ای رابطه‌ای مستقیم با نظارت و بازرسی دارد، بطوریکه شرکت‌های سهامی نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشند. بر این اساس، به منظور جلوگیری از سوءاستفاده مدیران و نیز ایجاد پوششی مناسب برای حفظ حقوق سهامداران و اشخاص ثالث، نهاد بازرسی در شرکت‌های سهامی پیش‌بینی گردیده تا بر عملکرد هیأت مدیره شرکت نظارت داشته باشند. این اشخاص در قانون تجارت ۱۳۱۱ «مفتش» و در لایحه اصلاح قانون تجارت «بازرس» نامیده شده‌اند که معادل (Auditor) در حقوق انگلیس می‌باشد. بازرسان، اشخاص مطلع و مجربی هستند که از حسن شهرت برخوردار بوده و از طرف مجمع عمومی صاحبان سهام برای اطلاع از وضع شرکت و نظارت بر حسن جریان و گردش امور شرکت در جهت حفظ منافع سهامداران، بستانکاران و دارندگان اوراق قرضه انتخاب می‌شوند و بر طبق قانون و اساسنامه شرکت مکلفند، نظرات خود را درباره بیلان و عملکرد شرکت به مجمع عمومی گزارش کنند. گزارش خلاف واقع و نیز قصور در انجام وظیفه ممکن است خساراتی به سهامداران و شرکت وارد گردد. به همین جهت، هم در ماده ۶۴ قانون تجارت ۱۳۱۱ و هم در ماده ۱۵۴ لایحه اصلاح قانون تجارت، مسئولیت بازرسان پیش‌بینی گردیده، بطوریکه علاوه بر مسئولیت مدنی، اگر تخلف بازرس مستوجب مجازات باشد از نظر کیفری نیز می‌توان او را تحت تعقیب قرار داد. در حقوق انگلیس نیز مسئولیت مدنی و کیفری بازرسان توأمأً پذیرفته شده و اگر از عمل بازرسان شرکت، به شرکاء و اشخاص ثالث خسارت وارد شود، علاوه بر مسئولیت مدنی، در صورتی که عمل مزبور به موجب قانون جرم باشد به مجازات آن جرم نیز محکوم خواهند شد.

**واژگان کلیدی:** مسئولیت مدنی بازرس، وظایف و اختیارات بازرس، شرکت، سهامداران، اشخاص ثالث.



## مقدمه

بازرسان از جهت جایگاه امانی نسبت به شرکت در مرتبه‌ای حساس‌تر و تابع احکام دقیق‌تری در مقایسه با مدیران قرار دارند، چرا که اینان باید ضمن مراقبت جریان امور و اداره شرکت، امانتداری مدیران را نیز مورد نظارت قرار دهند. بر این اساس از آنجایی که امکان نظارت و کنترل فردی مدیران در امور شرکت ممکن نیست، لذا به منظور حفظ حقوق سهامداران و بستانکاران شرکت، انتخاب بازرس برای شرکت‌های سهامی الزامی است و قانونگذار در جهت حفظ حقوق سهامداران، انتخاب بازرس یا بازرسان را در شرکت‌های سهامی پیش‌بینی نموده و شرکت‌های سهامی را ملزم به داشتن بازرس کرده است. در راستای تحقق این هدف، وظایف قابل توجهی را برابر ماده ۱۴۸ تا ۱۵۲ لایحه اصلاح قانون تجارت و دیگر مواد متفرقه بر عهده آنها قرار داده است. بازرسان با توجه به وظایفی که قانون بر دوش آنها قرار داده، مأموریت‌های متنوعی از جمله بررسی حساب‌ها، اطلاع‌رسانی به سهامداران و مقامات قضایی و مأموریت‌های نظارتی خاص برای کنترل وضع شرکت دارند. بدیهی است انجام چنین وظایف و مأموریت‌هایی از جانب بازرسان ایجاب می‌کند که اسناد و مدارک لازم در اختیار آنها گذارده شود. به عبارت دیگر آن‌ها بایستی در جهت انجام وظایف مقرر قانونی از یک سری اختیاراتی در زمینه مراجعه به اسناد و دفاتر شرکت برخوردار باشند تا جایی که بتوانند بدون دخالت در امر مدیریت شرکت هرگونه نظارت و بازرسی را نسبت به گردش کلیه امور شرکت اعمال کنند، زیرا حسابرسی و بازرسی امور مالی شرکت‌های سهامی یک کار تخصصی و پیچیده‌ای است که احتیاج به دانش و تخصص لازم در این مورد دارد. به همین جهت لازم است اشخاصی که از تخصص کافی در امر حسابرسی برخوردار هستند به سمت بازرس شرکت برگزیده شوند. به عنوان مثال، حقوق انگلیس در رابطه با مراجعه بازرسان به اهل خبره و کارشناس ساکت است، علت این است که در حقوق این کشور بازرسان از بین اعضای انجمن حسابرسان خبره که دارای تخصص و تجربه کافی در زمینه حسابرسی بوده، انتخاب می‌شوند. به همین خاطر در حقوق این کشور، استفاده از نظر کارشناس و اهل خبره توسط بازرسان پیش‌بینی نشده است (رهنمای قنبرآبادی، ۱۳۷۷، ص ۸۱) مطابق ماده ۱۴۴ لایحه اصلاح قانون تجارت، مجمع عمومی باید در هر سال یک یا چند بازرس انتخاب کند تا وظایف محوله قانونی را به انجام رسانند. بازرسان به عنوان امین صاحبان سهام موظف هستند در مورد صحت و درستی حساب‌های شرکت و ترازنامه ارائه شده از سوی مدیران اظهار نظر نمایند. عملکرد هیأت مدیره شرکت را در طی سال مالی، مورد نظارت و کنترل قرار دهند. مجمع عمومی صاحبان سهام را در زمان مقتضی دعوت نمایند و در پایان سال نیز گزارش جامعی را در رابطه با وضعیت مالی شرکت در اختیار مجمع عمومی قرار دهند. علاوه



بر این بازرسان موظف هستند در مورد توجیه تبدیل اوراق قرضه به سهام و نیز در مورد صحت افزایش سرمایه از محل مطالبات حال شده شرکاء اظهارنظر کنند و بسیاری وظایف دیگر. حال چنانچه بازرس در انجام وظایف محوله قصور نماید، ممکن است خساراتی به سهامداران و شرکت وارد گردد. به همین جهت هم در قانون تجارت ۱۳۱۱ و هم در ماده ۱۵۴ لایحه اصلاح قانون تجارت، مسئولیت بازرسان پیش‌بینی گردیده است. قانون تجارت ۱۳۱۱ در ماده ۶۴ خود مسئولیت بازرسان را بدین شرح تعریف کرده بود: «حدود مسئولیت مفتشین و اثرات آن همان است که راجع به حدود مسئولیت وکلا و اثرات آن در مقابل موکلین قانوناً معین است.» همانطور که ملاحظه می‌شود در اینجا فقط به مسئولیت بازرسان در مقابل شرکت و سهامداران اشاره شده و مسئولیت آنان را همانند مسئولیت وکیل می‌دانست که فقط در صورت تعدی و تفریط مسئول بودند. ماده مزبور برای مسئولیت بازرسان کافی نبوده، زیرا همانطور که می‌دانیم علاوه بر سهامداران، اشخاص دیگری نظیر طلبکاران یا حتی سرمایه‌گذاران آتی در شرکت نیز ممکن بود از اقدامات بازرسان متحمل ضرر شوند، حال آنکه در ماده مذکور اشاره‌ای به مسئولیت آنان در مقابل این اشخاص نشده بود. علاوه بر این، رابطه یک بازرس با شرکت و سهامداران نمی‌توانست رابطه وکیل و موکل باشد، زیرا در واقع بازرس، رکنی از ارکان شرکت است که قانون، وظایف و تکالیف او را مشخص می‌کند. (اسکینی، ۱۳۷۷، ص ۱۸۱) همچنین اگر رابطه یک بازرس با سهامدار رابطه وکیل و موکل می‌بود می‌بایستی با فوت هریک از سهامداران، بازرس نیز از این سمت معزل می‌شد و یا هر سهامداران به تنهایی می‌توانست وکیل خودش را عزل کند، در حالی که اینگونه نبود. به همین جهت در اصلاحات ۱۳۴۷ با توجه به ایرادات مذکور، مسئولیت عام بازرسان در صورت قصور در انجام وظیفه طبق قواعد عمومی مربوط به مسئولیت مدنی پذیرفته شد. اگر دقت کنیم می‌بینیم که مسئولیت بازرسان در لایحه اصلاح قانون تجارت بسیار شدیدتر از مسئولیت این اشخاص طبق قانون تجارت ۱۳۱۱ می‌باشد. بنابراین در این پژوهش به مطالعه تطبیقی وظایف و اختیارات و مسئولیت مدنی بازرس شرکتهای سهامی در حقوق ایران و انگلیس می‌پردازیم و به دنبال یافتن پاسخ برای این سؤال هستیم که وظایف و اختیارات و مسئولیت مدنی بازرسان شرکت سهامی در حقوق ایران و انگلستان به چه شکل نمود عینی داشته است؟ از آنجایی که مقررات حقوق انگلستان در زمینه این موضوع، نسبت به حقوق ایران کامل‌تر می‌باشند، بر این اساس شیوه مطالعه ما در این پژوهش بدین صورت است که ابتدا در مبحث اول، پیشینه تاریخی بازرس شرکت، در مبحث دوم وظایف و اختیارات بازرس شرکتهای سهامی در حقوق ایران و انگلستان، در مبحث سوم، مسئولیت‌های بازرس شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و انگلستان، در مبحث چهارم، قانون حاکم بر مسئولیت مدنی بازرسان در



حقوق ایران و انگلستان را مورد بررسی قرار داده و در پایان به جمع‌بندی مطالب می‌پردازیم. با توجه به ماهیت موضوع تحقیق حاضر از لحاظ هدف، کاربردی، از لحاظ روش تحقیق، به صورت نظری می‌باشد و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای بوده و روش تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی به صورت توصیفی خواهد بود.

## ۱- تاریخچه بازرس شرکت:

در سال ۱۳۴۷ اصطلاح «بازرس» با ترجمه کلمه کمیسر - او - کنت از زبان فرانسه تحت عنوان بازرس به زبان فارسی ترجمه شده است، که گاهی از آن اینسپکتور (inspector) نیز تعبیر می‌شود. ولی خوب می‌دانیم که کلمه بازرس تاب تفسیری متناسب با نیاز جامعه تجاری را ندارد و از آن جا که کلمه آدیتور («auditor حسابرس») در طی سالیان متمادی در کشورهای توسعه‌یافته مورد استفاده قرار گرفته، امروزه شرکتهای تجاری ملزم به نگهداری حسابهای خود طبق استانداردهای حسابرسی هستند و حسابرسان نیز حسابهای آنها را طبق استانداردهای حسابرسی و با رعایت آیین رفتار حرفه‌ای رسیدگی می‌کنند. انتظار می‌رفت قانونگذار در تهیه اصلاحات پیشنهادی اخیر، با استفاده از صاحب‌نظران رشته‌های مختلف و انجام مطالعات تطبیقی در قوانین سایر کشورها، ارتباط حرفه حسابداری و قانون تجارت را شفاف‌تر کرده و نارسایی‌های قبلی نیز رفع می‌نمود. اما هدف‌ها و مفاهیم امروزی حسابرسی، در سال‌های اولیه قرن بیستم ناشناخته بود ولی در طول تاریخ، تجارت و امور مالی متحول شده است. معنای اولیه کلمه حسابرسی در زبان انگلیسی آدیتور (auditor) «شنونده» بوده است. این واژه به دورانی بر می‌گردد که حساب‌های دولتی در یک جلسه عمومی با صدای بلند خوانده و تصویب می‌شد. اما در حال حاضر خواننده گزارش «آدیتور» نامیده می‌شود و امروزه این اصطلاح هدف‌ها و مفاهیم گسترده‌ای را در بر می‌گیرد. واژه‌هایی را که در بین مردم کاربرد دارد، الزاماً نمی‌توان به صورت دقیق تعریف یا ترجمه کرد. یک واژه ممکن است در اثر مرور زمان و کثرت استعمال معنی صریح و روشن پیدا کند. براساس لایحه قانونی ۱۹۸۱، حسابرسان آمریکا هر نوع نشانه‌های مضمون به کلاهبرداری را باید بی‌درنگ به مقامات دولت مرکزی آمریکا گزارش نمایند. واضح است که رسیدگی به صورت‌های مالی بدون در نظر گرفتن قوانین و مقررات به خصوص قانون تجارت، قانون مالیات مستقیم و قوانین خاص (با توجه به نوع صنعت) ناقص است و نتیجه مطلوبی ندارد. رکن کنترلی شرکت، در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ با عنوان مفتش و در لایحه اصلاحی با عنوان بازرس ترجمه شده است و حسابرس در فرهنگ لغات عمومی نیز، به معنی «شنونده و مستمع» تعریف



می‌شد، ولی به مرور این تعریف‌ها با کاربرد روز متحول شده است. «حسابرس: شغل و عمل حسابرسی؛ بررسی مدارک حسابداری یا سایر شواهد به منظور ارائه اظهارنظر درباره اینکه صورت‌ها یا اطلاعات ارائه شده به نحو مطلوب با اصول حسابداری هماهنگی دارد یا نه». ولی همواره بین حسابرس و بازرس حائل بوده است. کلمه حسابرس اولین بار، در سال ۱۳۲۸ به کار برده شده و بعد از آن در کلیه کتاب‌های حسابداری و حسابرسی این اصطلاح رایج شده است و می‌تواند مصداق‌های بازرس موضوع قانون تجارت را نیز تأمین کند. البته آنچه در اینجا قابل تأمل می‌باشد این است که بازرسان را نباید با حسابرس اشتباه کرد، زیرا هرچند در عمل هر دو وظایف مشابهی را در رسیدگی به حساب‌های شرکت برعهده دارند، اما تفاوت‌هایی بین آن‌ها وجود دارد، بطوریکه بازرسان شرکت منتخب مجمع عمومی صاحبان سهام بوده و از طرف آن مجمع نیز قابل عزل می‌باشند، در حالیکه حسابرسان از طرف هیأت مدیره شرکت انتخاب می‌شوند و از طرف همان مرجع نیز قابل عزل هستند. تفاوت دیگر در حدود و وظایف آن‌ها می‌باشد. بازرسان شرکت علاوه بر رسیدگی حساب‌ها ملزم هستند که عملیات مدیران را مورد نظارت و کنترل قرار دهند، حال آنکه حسابرسان صرفاً به حساب‌های شرکت رسیدگی می‌کنند.

## ۲- وظایف و اختیارات بازرس شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و انگلستان

در حقوق ایران وظایف و اختیارات بازرس شرکت‌های سهامی رسیدگی به صحت و درستی صورت‌های دارایی و صورت‌حساب‌های دوره عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه تهیه شده توسط مدیران، اظهارنامه در مورد صحت و درستی مطالب و اطلاعات ارائه شده توسط مدیران به مجمع عمومی، اظهارنظر در مورد پیشنهاد هیأت مدیره مبنی بر افزایش سرمایه، اظهارنظر در مورد پیشنهاد هیأت مدیره مبنی بر کاهش سرمایه، اظهارنظر در مورد معاملات مدیران با شرکت، نظارت بر رعایت حقوق سهامداران، نظارت بر اداره امور شرکت، ارائه گزارش جامعی در رابطه با وضعیت مالی شرکت به مجمع عمومی عادی، اعلام تخلف هیأت مدیره به اولین مجمع عمومی عادی، اعلام جرم علیه هیأت مدیره در دادگاه صالح و دعوت از مجمع عمومی صاحبان سهام که این مورد خود شامل چهار قسم است: الف) دعوت مجمع عمومی عادی به درخواست سهامداران ب) دعوت مجمع عمومی سالیانه در صورت قصور هیأت مدیره ج) دعوت مجمع عمومی عادی جهت انتخاب جانشین مدیران در صورت قصور هیأت مدیره. د) دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده. همچنین، اختیارات بازرس شرکت عبارتند از: حق مراجعه به اسناد، مدارک و دفاتر شرکت؛ حق حضور در مجمع عمومی؛ حق استفاده از نظر کارشناس. در حقوق ایران در مورد اینکه امروزه چه معیار و استنادداری از بازرسان در جهت انجام وظایف انتظار می‌رود، ملاک و معیار خاصی ارائه نشده



است. ولی شاید بتوان گفت با توجه به اینکه بازرسان وظایفی مشابه حسابرسان در شرکت‌ها را بر عهده دارند، ملاک و استانداردهای لازم در حسابرسی را مورد استفاده قرار داده و از وحدت ملاک مزبور در این مورد استفاده کرد. بنابراین به نظر می‌رسد که معیار و ضابطه در این مورد همانند اصول و استانداردهای پذیرفته شده در این حرفه است، یعنی اگر بازرس همان اصول و استانداردهای مربوطه را همانند حسابرسان در انجام وظایف خود رعایت کرده باشند، دیگر موردی برای مسئول شناختن وی وجود نداشته باشد. تدوین این اصول و استانداردها به موجب قانون تشکیل سازمان‌های حسابرسی و اساسنامه آن از شمار وظایف این سازمان است. بنابراین چنانچه این اصول و موازین تدوین و منتشر شود به عنوان مستند قانونی ملاک و ضابطه ارزیابی عملکرد بازرس و حسابرس خواهد بود. بنابراین اگر بازرسان در انجام وظایف خود اصول و استانداردهای مربوطه را رعایت کنند، مسئولیت نخواهند داشت (تقریبی، ۱۳۵۳، ص ۸۵) در حقوق انگلستان وظایف قانونی و اختیارات حسابرسان، ارائه گزارش به اعضای شرکت راجع به حساب‌های شرکت می‌باشد. گزارشی که تهیه می‌گردد باید دربردارنده این معنا باشد که آیا حساب‌های شرکت مطابق با قانون شرکت‌ها تنظیم شده‌اند یا خیر؟ و آیا یک دید و نظریه صحیح و درستی از وضعیت کارهای شرکت در پایان سال مالی و همچنین راجع به سود و زیان برای یکسال مالی ارائه می‌دهد یا خیر؟ حسابرسان در تهیه گزارش خود باید در نظر بگیرند که آیا اسناد مربوط به صورت‌حساب‌ها محفوظ می‌باشد یا خیر؟ و آیا ترازنامه و حساب سود و زیان مطابق با دفاتر و اسناد ثبت شده تنظیم گردیده‌اند یا خیر؟ در صورت برخورد با هر موضوع، حسابرس باید در گزارش خود آن را مورد توجه خویش قرار دهد و به آن اشاره نماید. (Farrar, 1991, 494) وظیفه حسابرس این است که تجزیه و تحلیل کند حساب‌های شرکت را برای کشف هرگونه غفلت و عدم دقت که در حساب‌ها به وجود می‌آید، برای حصول اطمینان از اینکه ترازنامه سالانه شرکت و حساب سود و زیان مطابق حساب‌های اصلی شرکت هستند و با گزارش اوراق حساب‌های سالانه ارائه شده به سهامداران تطبیق کنند. گزارش حسابرس باید بیان‌کننده این موضوع باشد که آیا در نظر او ترازنامه سود و زیان محاسبه شده، یک نظریه صحیح و درستی از وضعیت مالی شرکت به او می‌دهد یا خیر؟ و سود و ضرر سال مورد بررسی آیا در بردارنده اطلاعات و جزئیات ضروری که قانون آن‌ها مقرر کرده است می‌باشد یا خیر؟ تصاویر گزارش حسابرسی باید به همراه حساب‌های سالانه منتشر گردد، قبل از اینکه مجمع عمومی سالانه تشکیل شود. همچنین گزارش حسابرسی باید برای مجمع عمومی قرائت شود و برای رسیدگی در اختیار مجمع عمومی قرار گیرد (Robert, 1973, 605-606) همچنین موضوعاتی که یک حسابرس باید در خصوص آن‌ها اقدام کند به وسیله قراردادی که با شرکت دارد مشخص می‌شود و در صورت سکوت قرارداد، به وسیله



اساسنامه شرکت که به طور ضمنی در قرارداد درج می‌گردد مشخص خواهد شد. در صورت فقدان دو وضعیت مزبور، وظیفه حسابرس این است که مهارت و مراقبت متعارف را در تعیین صحت حساب‌ها و ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت معمول دارد. در حقوق انگلیس نیز حسابرس از این توانایی برخوردار است که جهت بررسی اوضاع شرکت در همه اوقات به دفاتر و حساب‌ها و اوراق شرکت دسترسی داشته باشد و از مقامات شرکت بخواهد که در مورد مسائلی که به انجام وظیفه او کمک می‌کند اطلاعات و توضیحات ارائه دهند. همچنین حسابرس می‌تواند در کلیه جلسات مجامع عمومی سهامداران، شرکت و راجع به اموری که به او ارتباط پیدا می‌کند اظهارنظر نماید، به همین دلیل اطلاعیه مربوط به تشکیل جلسات مجامع عمومی باید برای او ارسال شود. علاوه بر وظایف بازرسان شرکت در حقوق انگلیس، آن‌ها از اختیارات مشابهی در زمینه مراجعه به اسناد و دفاتر و مدارک شرکت برخوردار می‌باشند، به طوریکه هیأت مدیره و مجمع عمومی صاحبان سهام حق محدود کردن این اختیارات را ندارند (pennington, 1991, 719) حتی اگر مدیران شرکت اطلاعات و توضیحاتی خلاف واقع و یا گمراه‌کننده در موضوعات مهم و عمده به آن‌ها ارائه نمایند، به جرمه یا زندان یا هر دو مجازات محکوم خواهند شد. (Companyact 1985 s. 389A) (2) در موردی که شرکت دارای شعبات متعددی باشد، اگر آن شعبات در داخل بریتانیا به ثبت رسیده باشند، بازرسان این شعب وظیفه دارند اطلاعات مورد نیاز بازرسان شرکت مادر را تهیه نموده و در اختیار آن‌ها قرار دهند. ولی اگر در خارج از بریتانیا به ثبت رسیده باشند، این از وظایف شرکت مادر است که اطلاعات مورد نیاز بازرسانش را تهیه نموده و در اختیار آن‌ها قرار دهد. بدین ترتیب، در خصوص وظایف و اختیارات بازرسان در حقوق ایران و انگلیس تفاوت فاحشی که قابل ذکر باشد وجود ندارد.

### ۳- مسئولیت‌های بازرسان شرکتهای سهامی در حقوق ایران و انگلستان

بازرس یا بازرسان شرکت با توجه به نقش مهمی که در تأیید گزارشات مدیران برای تصویب در مجمع عمومی دارند، می‌توانند در تهیه و ارائه آمار واقعی از فعالیت‌ها و میزان سود و ضرر شرکت، نقش با اهمیتی ایفا نمایند. با توجه به این وظیفه مهم بازرسان یا بازرسان انتظار می‌رود آنان کلیه اقدامات خویش را با رعایت ضوابط و مقررات قانونی و در نظر گرفتن مصالح و منافع شرکت انجام دهند. اما در صورتی که در اثر اقدامات بازرسان ضرر و زبانی متوجه شخص حقوقی (شرکت)، سهامداران و یا اشخاص ثالث گردد بر طبق اصول و قواعد کلی مسئولیت مدنی باید پاسخگوی زیان وارده باشند. به عنوان مثال، چنانچه با تبانی که با مدیران نموده‌اند گزارشات خلاف واقع تهیه شده توسط مدیران را بررسی ننموده و از آن چشم پوشی کرده‌اند، در نتیجه در اثر اطلاعات نادرستی که از وضعیت شرکت ارائه و در مجمع عمومی نیز به تصویب



رسیده است، ضررهایی متوجه شرکت، سهامداران و اشخاص ثالث گردید، در این صورت هر ذی‌نفع قادر به طرح دعوا و مطالبه خسارت وارده خواهد بود. همچنین بازرس یا بازرسان نمی‌توانند در معاملاتی که به نام و یا به حساب شرکت صورت می‌گیرد به طور مستقیم یا غیرمستقیم سهم واقع شوند. هرگونه ضرر و زیانی که به این طریق متوجه شرکت، سهامداران و اشخاص ثالث گردد به عهده بازرس متخلف خواهد بود. نکته آخر شایان ذکر این است که با عنایت به اطلاق بیان ماده ۲۷۰ ل. ا. ق. ت که هرگاه اقدامات و تصمیمات هریک از ارگان‌های شرکت منطبق با قانون نباشد، اشخاص ذی‌نفع می‌توانند تقاضای بطلان آن را مطرح سازند. لذا چنانچه در اثر بطلان تصمیمات و اقدامات بازرسان به عنوان رکن کنترل کننده شرکت ضرر و زیانی متوجه سهامداران شرکت و اشخاص ثالث شود، بازرسانی که رعایت ضوابط و مقررات قانونی را نکرده و سبب ورود خسارت شده‌اند باید پاسخگو باشند (ماده ۲۷۳ ق. ت). بر این اساس در قبال این اختیارات و وظایف، مسئولیت‌هایی متوجه بازرس شرکت می‌باشد، اعم از مسئولیت‌های مدنی ناشی از افراط و تفریط و اساساً به تعبیر مدنی آن، تقصیر و نیز مسئولیت‌های جزایی. بازرس در اجرای وظایفش دارای دو نوع مسئولیت مدنی و کیفری است. ماده ۱۵۴ قانون تجارت ۱۳۴۷ مقرر می‌کند: «بازرس یا بازرسان در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلفاتی که در انجام وظایف خود مرتکب می‌شوند، طبق قواعد عمومی مربوط به مسئولیت مدنی، مسئول جبران خسارت وارده خواهند بود.» با این وجود ماده ۱۵۴ لایحه اصلاح قانون تجارت خالی از ایراد نمی‌باشد. اولاً: همانطور که می‌بینیم در ماده مذکور بازرسان را در صورت تخلف از انجام وظایف مسئول دانسته است، حال آنکه در قانون ما تخلف در هیچ یک از مقررات به جز در مقررات مربوط به تخلفات اداری تعریف نشده است. در نتیجه در صورتی که بخواهیم بدانیم که آیا بازرس در اجرای وظایف خویش تخلف کرده یا خیر، باید از ملاک مربوط به تخلفات اداری استفاده نموده و آن را به سایر موارد تعمیم دهیم و با اندکی تسامح، تخلف را مصداق قصور و تقصیر بدانیم. قصور در وجه منفی آن به مفهوم سهل انگاری و تقصیر در مفهوم عمدی بودن آن. ثانیاً: در ماده مذکور، مسئولیت بازرسان در مقابل سهامداران نادیده گرفته شده است، البته ایراد مذکور به نظر چندان مهم نیست، زیرا سهامداران می‌توانند از طریق شرکت جبران زیان وارده به خود را بخواهند. همانگونه که مشاهده می‌شود در متن ماده مزبور مشخص نشده که آیا تخلف از وظایف بازرس مندرج در اساسنامه نیز جزو ماده مزبور می‌باشد و یا فقط تخلفات از وظایف بازرس مندرج در قانون مدنظر قانونگذار بوده است که البته با توجه به مواد ۱۴۴ و ۱۴۸ قانون ۱۳۴۷ که مشخص کرده، بازرس بایستی بر طبق مواد مندرج در قانون تجارت به وظایف خود عمل کند و با در نظر گرفتن ماده ۱۵۶ قانون ۱۳۴۷ بازرس نمی‌تواند در معاملات با شرکت ذی‌نفع شود و انجام هرگونه وظیفه اضافی و





خدمت بیشتر خود نوعی معامله با شرکت، علاوه بر معامله بازرس می‌باشد. تخلفات ذکر شده در ماده ۱۵۴ قانون ۱۳۴۷، فقط مربوط به تخلفات بازرسان از وظایف مقرر در قانون می‌باشد و اصولاً پیش‌بینی وظیفه بیشتری علاوه بر مقررات قانونی در این زمینه در اساسنامه شرکت برای بازرسان خلاف ماده ۱۵۴ قانون ۱۳۴۷ می‌باشد. همچنین بازرس ممکن است در حین انجام وظایفش مرتکب جرایمی شود که در قوانین عام جزایی پیش‌بینی شده است، مانند جعل و استفاده از سند مجعول، علاوه بر جرایم عام، در قانون جرایمی پیش‌بینی شده که خاص بازرس شرکت سهامی است (اسکینی، ۱۳۷۷، ص ۱۹۳). بنابراین به طور کلی اگر بازرس یا بازرسان به علت عدم رعایت مقررات قانونی با ارتکاب تقصیر یا جرم دیگری از وظایف خود تخلف نمایند، برابر قواعد عام مربوط به مسئولیت مدنی، مسئول جبران زیان وارده بر شرکت و اشخاص ثالث ذی‌نفع خواهند بود. طبق مفاد مواد ۲۷۰ و ۲۷۳ قانون ۱۳۴۷ در صورتی که مقررات قانونی در عملیات و تصمیمات هریک از ارکان شرکت، از جمله رکن کنترل‌کننده (بازرس) رعایت نشود، دادگاه به تقاضای هر ذی‌نفع (شرکت، سهامدار و یا اشخاص ثالث (زیان دیده)، بطلان عملیات و تصمیمات مزبور را اعلان خواهد کرد که از آن بطلان به صاحبان سهام و اشخاص ثالث متوجه شده است. همانگونه از متن مفاد مواد ۱۵۴، ۲۷۰ و ۲۷۳ قانون ۱۳۴۷ مستفاد می‌شود، سهامداران به استناد و پس از صدور حکم بطلان می‌توانند دعوای مسئولیت علیه بازرس اقامه نمایند، در صورتی که شرکت و اشخاص ثالث بدون درخواست حکم بطلان می‌توانند علیه بازرس اقامه دعوای مسئولیت مدنی بنمایند که این موضوع از مزایای قانون تجارت می‌باشد، زیرا اولاً قسمت عمده وظایف بازرس در رابطه با حقوق صاحبان سهام می‌باشد و وظایف بازرس در رابطه با حقوق اشخاص ثالث بسیار محدودتر و قابل کنترل‌تر از وظایف او در موارد فوق‌الذکر می‌باشد و همچنین در مورد شرکت نیز چون بازرس، وکیل شرکت برای کنترل اداره امور شرکت می‌باشد، بنابراین بایستی در مقابل شرکت مسئولیت داشته باشد، ثانیاً ممکن بود به علت عدم پیش‌بینی این موضوع، مثلاً در اثر تبانی سهامداران بالاخص سهامداران عمده که با توجه به ماده ۱۰۷ قانون ۱۳۴۷ معمولاً مدیران شرکت نیز می‌باشند با شرکت یا سایر سهامداران، زبانی ساختگی (نه واقعی) به آن سهامدار وارد می‌آمد و آن سهامدار با توجه به ماده ۱۵۴، علیه بازرس اقامه دعوای مسئولیت مدنی می‌نمود و در صورت صدور حکم به نفع سهامدار، مبالغی به عنوان زیان وارده از بازرس اخذ می‌نمود، در صورتیکه واقعا زبانی ندیده بود (در این گونه موارد مثلاً می‌توان از تبانی سهامداران با یکدیگر از جمله در مورد معاملات شرکت با سهامداران در رابطه با عدم رعایت یکنواخت حقوق آنها در حد مقررات قانونی و اساسنامه به نحوی که بازرس متوجه آن نشود، نام برد. در رابطه با مسئولیت کیفی بازرسان، همانطور که می‌دانیم لایحه اصلاح قانون تجارت ما اقتباس از قانون ۲۴



ژوئیه ۱۹۶۶ فرانسه می‌باشد. از آنجایی که در قانون آن کشور، مسئولیت کیفری بازرسان پیش‌بینی شده به تبعیت از آن، در حقوق ما نیز مسئولیت کیفری بازرسان پذیرفته شد و مواد ۲۶۶ و ۲۶۷ به این مسئولیت اختصاص یافت. به موجب ماده ۲۶۶ قانون ۱۳۴۷: «هرکس با وجود منع قانونی سمت بازرس را در شرکت سهامی بپذیرد و به آن عمل کند به حبس تأدیبی از دو ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی محکوم خواهد شد.» ماده ۲۶۷ لایحه اصلاح قانون تجارت ایران که اشاره به مسئولیت کیفری بازرسان در مورد گزارشات خلاف واقع دارد، در این مورد مقرر می‌دارد: «هرکس در سمت بازرسی شرکت‌های سهامی عالم‌اً راجع به اوضاع شرکت به مجمع عمومی در گزارش‌های خود اطلاعات خلاف حقیقت بدهد و یا این‌گونه اطلاعات را تصدیق کند، به حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.» برخلاف سایر مقررات جزایی، مقنن در مواد ۲۶۶ و ۲۶۷ لایحه اصلاح قانون تجارت بر عنصر سوء نیت تأکید کرده است و بنابراین صرف قبول سمت بازرسی در صورت عدم صلاحیت یا ارائه گزارش خلاف حقیقت نمی‌تواند موجب مسئولیت کیفری بازرسی گردد، بلکه بایستی بازرس در این موارد سوء نیت داشته باشد. به نظر می‌رسد در این موارد بایستی سوء نیت بازرس را مفروض تلقی کرده و اثبات خلاف آن را برعهده خود بازرس قرار داد. زیرا احراز عنصر سوء نیت مشکل و تا حدی دست نیافتنی است. بنابراین در صورتی که بازرسان شرکت سهامی مرتکب تخلفی شوند، علاوه بر اینکه از نظر مدنی مسئولیت دارند، اگر تخلف بازرسی مستوجب مجازات باشد از نظر کیفری می‌توان او را تحت تعقیب قرار داد. به عبارت دیگر با توجه به وظایف متعددی که بر طبق قانون بر عهده بازرسان قرار داده شده است، می‌توان گفت که بازرس در صورت ترک فعل، مسئولیت جزایی ندارد. مثلاً در لایحه اصلاح قانون تجارت مقرر شده است بازرس باید در شرایط خاصی، مجمع عمومی صاحبان سهام را دعوت کند یا در مورد توجیه تبدیل اوراق قرضه به سهام اظهار نظر کند. اگر بازرس هیچ یک از این وظایف را انجام ندهد، فقط مسئولیت مدنی خواهد داشت و نمی‌توان بازرس را به خاطر ترک فعل در انجام وظایفش از نظر جزایی تحت تعقیب قرار داد. لازم به ذکر است در حقوق موضوعه کنونی، شرکت‌هایی که بازرسان آنها مشمول مقررات قانون ۱۳۷۲ و آیین‌نامه‌های اجرایی آن می‌باشند علاوه بر مقررات قانون ۱۳۴۷، تابع ضمانت اجراهای حرفه‌ای و انضباطی مربوطه نیز هستند (پاسبان، ۱۳۸۹، ص ۲۴۵) در حقوق انگلیس، چنانچه حسابرس از انجام وظایفش قصور ورزد و یا از اختیارات خود سوء استفاده نماید، به طوری که تقصیر حسابرس در انجام تکالیف، انحلال شرکت را به دنبال داشته باشد توسط شرکت طرف دعوا قرار می‌گیرد. طرح دعوی علیه حسابرس توسط شرکت به خاطر زیانی است که در اثر اشتباه در محاسبه و حسابرسی که حسابرس مرتکب شده به شرکت وارد گردیده است. به هر حال، چنانچه حسابرس مقصر



طرف دعوا قرار گیرد می‌تواند از دادگاه درخواست معافیت از مسئولیت را مطرح سازد و دادگاه رسیدگی کننده زمانی که متقاعد گردد حسابرس وظیفه‌اش را با صداقت و درستکاری انجام داده و معافیت او از مسئولیت منصفانه می‌باشد او را از مسئولیت معاف خواهد کرد. درج شرطی در اساسنامه شرکت یا قرارداد استخدام حسابرس که به معنای معافیت حسابرس از مسئولیت او به خاطر نقض وظیفه و ورود خسارت باشد معتبر نخواهد بود. چنانچه حسابرس گزارش غیرواقعی به شرکت ارائه کند و شرکت با این اعتماد و باور که این گزارش‌ها منطبق با واقع نیستند اقدام کرده باشد، دیگر نمی‌تواند خسارات ناشی از این اقدام را از حسابرس مطالبه نماید. علاوه بر مراتب یاد شده، اطلاعات نادرستی که حسابرس از وضعیت مالی شرکت به یک عنصر از شرکت یا دارنده ورقه قرضه و یا سرمایه‌گذار آتی شرکت می‌دهد و این افراد بر اساس اطلاعات غیرواقعی او اقدام کرده و متضرر شده باشند حسابرس در برابر آنها مسئولیت داشته و باید پاسخگو باشد (Robert, 1973, 609-610) در رابطه با مسئولیت مدنی بازرسان شرکت در حقوق انگلیس، حسابرس زمانی مقصر به حساب خواهد آمد که فاکتورها و حساب‌های ارائه شده از طرف مدیران را با واقعیاتی که انطباق ندارد بپذیرد و آنها را مورد تأیید قرار دهد. چنانچه حسابرس در انجام وظیفه بررسی صاحب‌های شرکت اشتباه کرده و وظیفه خویش را صحیحاً انجام ندهد و بدین وسیله شرکت متضرر گردد مسئولیت خواهد داشت. چنانچه حسابرس شرکت به دارنده سهم، دارنده ورقه قرضه و سهامداران آتی شرکت (فردی که قصد دارد سهام شرکت را خریداری نماید) اطلاعات نادرستی درباره وضعیت مالی شرکت بدهد با اینکه می‌داند این افراد بر اساس اطلاعات او اقدام خواهند کرد، ولی به این افراد اطلاعات نادرست ارائه کند در برابر خسارت آنها مسئولیت مدنی خواهد داشت. به عنوان مثال شخصی با تکیه بر اطلاعات ارائه شده از ناحیه حسابرسی که بعداً صحت آنها ثابت می‌شود اقدام به خرید سهام از شرکت یا فروش سهم خود می‌نماید، ولی بعداً متضرر می‌گردد لذا قادر خواهد بود خسارت وارده به خود را از حسابرس که اطلاعات نادرست به او ارائه کرده است مطالبه نماید (Robert, 1973, 609-610) چنانچه حسابرس در بررسی دفاتر دقت ننموده و به عنوان مثال در میزان واقعی سودهایی که شرکت تحمیل کرده است اغراق‌گویی کرده باشد و در نتیجه سبب شود که شرکت مالیات یا سود سهام بیشتری بپردازد مسئولیت خواهد داشت (Farrar, 1991, 198) در حقوق انگلیس نیز بازرسان علاوه بر مسئولیت مدنی دارای مسئولیت کیفری می‌باشند و تبصره ۲ ماده ۲۸ قانون شرکت‌های ۱۹۸۹ به مسئولیت کیفری بازرسان اختصاص یافته است. سؤالی در اینجا ممکن است مطرح شود با توجه به وظایف متعددی که بازرسان به موجب قانون و اساسنامه شرکت به عهده دارند در چه صورتی از مسئولیت معاف خواهند بود؟ به عبارت دیگر بازرسان در انجام



وظایف خود باید چه ملاک و ضابطه‌ای را رعایت نمایند تا مسئولیتی نداشته باشند؟ در حقوق انگلیس اگر بازرسان در انجام وظایف خود رعایت دقت معقول و متعارف را بنمایند از مسئولیت معاف خواهند بود. رعایت دقت معقول و متعارف بسته به هر مورد متفاوت است، مثلاً اگر نسبت به صورت حساب‌های ارائه شده توسط مدیران، هیچگونه سوءظنی وجود نداشته باشد، یک بررسی و رسیدگی مختصر، یک کار معقول و متعارف محسوب می‌شود. ولی در صورت وجود سوءظن، مسلماً دقت و مراقبت بیشتری نیاز است. البته در این مورد هم بازرسان هیچ تعهدی ندارد که بیش از وقت معقول و متعارف در انجام وظایف خود به کار ببرد.

(Nirthey & Leigh's, 1995, 185)

#### ۴- قانون حاکم بر مسئولیت مدنی بازرسان در حقوق ایران و انگلستان

همانطور که در مبحث قبل بیان شد، بازرسان یا بازرسان شرکت وظیفه دارند که بررسی و رسیدگی به حساب‌ها و دفاتر شرکت و تهیه گزارش عملکرد مدیران و سود و زیان شرکت را با رعایت غبطه و منافع شرکت و شرکاء در کمال صداقت و درستکاری انجام دهند و در مقام بازرسی و بررسی عملکرد مدیران، رعایت مقررات قانونی و شرکتهای (مفاد اساسنامه و مصوبات مجمع عمومی) برای بازرسان الزامی می‌باشد. حال مسئولیتی که برای بازرسان ممکن است به وجود آید یا ناشی از عدم انجام وظیفه خویش به نحو احسن در بررسی و ارائه گزارش واقعی از وضعیت مالی و عملکرد مدیران شرکت است و یا ناشی از عدم رعایت مقررات قانونی و شرکتهای می‌باشد. با توجه به مواردی که در خصوص مسئولیت مدنی بازرسان مطرح شد، می‌توان اینگونه بیان داشت: مسئولیت مدنی که برای بازرسان به خاطر عدم ایفای صحیح وظیفه یا نادیده گرفتن مقررات قانونی یا شرکتهای در برابر سهامداران و شرکت به وجود می‌آید در زمره روابط داخلی میان شرکت، اعضا و ارکان مختلف آن بوده و حکومت قانون متبوع شرکت بر این مسائل به خاطر تناسب و نزدیکی قابل توجهی که این قانون با موضوعات یاد شده دارد شایان توجه می‌باشد. در حقوق انگلیس، حسابرس که تعیین می‌گردد وظیفه دارد حسابهای شرکت را تجزیه و تحلیل نموده تا هرگونه غفلت و عدم دقت که در حسابها وجود دارد را کشف نماید. گزارش او از عملکرد شرکت و مدیران باید ارائه دهنده یک نظریه صحیح و درستی از وضعیت مالی شرکت باشد. ولی چنانچه حسابرس از انجام تکالیف خود قصور ورزد یا سوء استفاده از اختیارات نماید طرف دعوا قرار خواهد گرفت. درج هرگونه شرطی در اساسنامه یا قرارداد استخدام مدیر یا حسابرس که آنها را از مسئولیتی که به خاطر عدم انجام وظیفه برایشان به وجود می‌آید معاف سازد، معتبر نمی‌باشد، اگرچه مدیر یا حسابرس می‌تواند با ارائه ادله از دادگاه رسیدگی کننده تقاضای معافیت خود از مسئولیت را بنماید و دادگاه نیز چنانچه متقاعد گردد مدیر یا حسابرس با توجه به



اوضاع و احوال حاکم بر قضیه با صداقت و درستکاری انجام وظیفه کرده باشد، او را از مسئولیت معاف خواهد کرد. اما در ارتباط با شرکت‌های خارجی، دادگاه‌های انگلیسی از دخالت در مسائل داخلی بین اعضای یک شرکت خارجی بی‌میل هستند و حتی سعی ندارند در مورد اختیاراتی هم که به مقامات یک شرکت خارجی به موجب اساسنامه شرکت اعطاء شده است کنترل داشته باشند (Dicey, 1967, 1135-1136). اگرچه شرکت‌هایی را که بر اساس قانون خارجی به وجود آمده‌اند به عنوان شخص حقوقی به رسمیت می‌شناسند و این واقعیت مورد توجه آن‌هاست که ایجاد و ادامه فعالیت‌های چنین شرکت‌ها مطابق قانون خارجی صورت خواهد گرفت. (Cheshire & North, 1974, 197-198) در همه کشورهایی که سیستم حقوقی کامن‌لا بر آن‌ها حاکم می‌باشد یک شرکت بر طبق قانون کشوری که به موجب آن به وجود آمده به حیات ادامه می‌دهد و از این تئوری در حقوق انگلیس نیز پیروی گردیده است. بنابراین در حقوق انگلیس، قانون شرکت‌ها راجع به شرکت‌های ثبت شده در خارج اعمال نمی‌شود. بلکه آن دسته از امور شرکت که جنبه درونی داشته باشد، تابع قانون محلی است که شرکت در آنجا تمرکز دارد. قانون متبوع شرکت بر همه مسائل مربوط به موجودیت، وظایف مشخص شده در اساسنامه، سازمان، مسئولیت‌ها و پایان فعالیت‌های شرکت و سایر موضوعات مرتبط از بدو وجود تا خاتمه آن حکومت داشته و همراه آن خواهد بود. قانون متبوع شرکت همچنین نسبت به حقوق و وظایف شرکت و اعضای آن در برابر اشخاص ثالث چون طلبکاران و بدهکاران حکومت دارد و نیز حدود اختیارات شرکت و مسئولیت مدیران و سهامداران را تعیین می‌نماید، به طوری که دادگاه‌های انگلیس در مورد موضوعاتی که جنبه اختلافات داخلی بین اعضای یک شرکت خارجی داشته باشد دخالتی نمی‌کنند. در حقوق انگلیس یک شرکت خارجی به رسمیت شناخته شده با توجه به اختیاراتی که به موجب اساسنامه‌اش دارا می‌باشد یا بر اساس قانون کشوری که طبق آن به وجود آمده است می‌تواند به فعالیت بپردازد. این مسئله به عنوان یک قاعده کلی نمی‌تواند نادیده گرفته شود و استثنائاتی هم که راجع به اختیارات یک شرکت خارجی وجود دارد ناشی از دلایل نظم عمومی می‌باشد و این استثناء نیز نمی‌تواند بدون وجود دلایل قوی اعمال شود. با توجه به موارد یاد شده در حقوق انگلیس سازمان شرکت بر اساس «قانون متبوع شرکت» تعیین شده و این قانون از بدو پیدایش تا خاتمه آن نسبت به کلیه فعالیت‌های شرکت حکومت دارد. بنابراین، مسئولیت‌هایی که برای مدیران و بازرسان به خاطر نقض وظیفه در قبال شرکت، شرکاء و اشخاص ثالث به وجود می‌آید تابع قانون متبوع شرکت می‌باشد.



## نتیجه

یکی از اهداف مطالعه تطبیقی این است که با مطالعه حقوق خارجی نقاط ضعف حقوق داخلی روشن گردد. لذا با مطالعه تطبیقی که در دو سیستم حقوق ایران و انگلیس در مورد بازرسان به عمل آمد، ملاحظه شد که تأسیس حقوقی بازرسان در سیستم حقوقی ما، با یک سری نواقص و کاستی‌هایی روبرو است. به عنوان مثال در حقوق انگلیس صلاحیت حرفه‌ای بازرس چه در آغاز انتخاب و چه در طول دوره فعالیت شرکت توسط هیأت نظارتی ویژه‌ای کنترل می‌شود، در حالی که در حقوق ایران چنین هیأت نظارتی پیش‌بینی نگردیده است. لذا ممکن است به لحاظ فقدان قوانین و مقررات کافی اشخاصی که فاقد صلاحیت به سمت بازرسی در شرکت انتخاب شوند و به انجام وظایف مقرر قانونی بپردازند. در حقوق ایران ملاک و معیار مدون و پذیرفته شده‌ای در جهت انجام وظایف خود بازرسی پیش‌بینی نگردیده است. بنابراین روشن نیست بازرسان بایستی بر اساس چه ملاک و معیاری وظایف را انجام دهند تا مسئولیتی نداشته باشند. بنابراین لازم و ضروری است تکلیف چنین ملاک و معیارهایی روشن و مشخص گردد. در ماده ۲۶۶ و ۲۶۷ لایحه اصلاح قانون تجارت ایران، جهت مسئول شناختن بازرسان از نظر کیفی، بر عنصر سوءنیت تأکید شده است ولی همانطور که می‌دانیم اظهارنظر بازرس در حقیقت نوعی بیان عقیده است و در بحث بیان عقیده احراز عنصر سوءنیت دشوار و تا حدودی دست نیافتنی می‌باشد. بنابراین به نظر می‌رسد باید در هر مورد، تقصیر بازرسان را مفروض، تلقی کنیم و اثبات بی‌تقصیری را بر عهده خود بازرسان قرار دهیم. همانطور که ملاحظه شد موضوع بازرس در حقوق ایران در مورد عدیده‌ای به سکوت برگزار شده و این امر موجب بروز نابسامانی‌های گسترده‌ای در نظام تجاری و اقتصادی ایران گردیده، لذا لازم است در اصلاحات آتی این موارد مورد توجه قرار گیرد.



### فهرست منابع

- ۱- اسکینی، ربیعا (۱۳۷۷)، حقوق شرکت های تجاری، جلد دوم: تهران، انتشارات سمت.
- ۲- پاسبان، محمدرضا (۱۳۸۹)، حقوق شرکت های تجاری، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت.
- ۳- تقریبی، ایرج (۱۳۵۳)، «مسئولیت مدیران عامل و هیات مدیره و بازرسان در شرکت سهامی»، مجله کانون وکلاء دادگستری، سال ۲۶، شماره ۱۲۸ و ۱۲۹، صص ۸۵-۹۳.
- ۴- رهنمای قنبرآبادی، محمود (۱۳۷۷)، بازرسان شرکت های سهامی در حقوق ایران و انگلیس، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- ۵- زمانی کشتلی، مجید (۱۳۷۶)، مسئولیت مدنی مدیران و بازرسان شرکت سهامی عام در حقوق ایران و انگلیس و قانون حاکم بر آن، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه قم.
- ۶- صالحی، محمود (۱۳۶۷)، فرهنگ اصلاحات بیمه و بازرگانی، چاپ شفق.
- ۷- عرفانی، محمود (۱۳۷۶)، «نقش بازرسی حساب در شرکت سهامی عام مطالعه تطبیقی حقوق ایران، فرانسه و ایالات متحده امریکا»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳۷، صص ۴۸-۳۳.
- ۸- عظیمی تهرانی، وحید (۱۳۹۵)، مسئولیت مدنی بازرس در شرکت های سهامی عام با توجه به لایحه قانون تجارت، چاپ اول، تهران: انتشارات پتر دانش.
- ۹- فخری، سنجر (۱۳۹۰)، نقش بازرس در شرکت های سهامی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.
- ۱۰- فرحناکیان، فرشید (۱۳۸۸)، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.

- 11- Cheshire and North, private international law, 10 the ed. London, 1974.
- 12- Dicey, Albert, Dicey and moris on the conflict laws, 8<sup>th</sup>.ed. London, steven, 1967.
- 13- Farrar.N,E.Fures. B.M.Farrar's company law. Hannigan Butter worths, London, Dublin, Edinburgh 1991-third edition.
- 14- Rabel Ernest, the conflict of law's comparative study v.two, foreign corporation. Torts. Contracts in genrat second edition. Prepared by Ulrich DROBing. AnnArbor university of Michigan law school 1960.
- 15- Robert R.penning ton, company law LL.D. Third edition London, butter worths, 1973.
- 16- Nirthey & leigh's in trodution to company law, 1995.